

ایسار

ماهیت دینی، روحیه عدالت‌طلبی و استکبارستیزی انقلاب اسلامی؛ نظام جمهوری اسلامی ایران را از ابتدای شکل‌گیری، با کینه‌توزی و دشمنی معاندان داخلی و خارجی انقلاب مواجه ساخت. مروری گذرا بر فهرست اقدامات استکبار جهانی و معاندان وابسته آنان در داخل، عمق کینه و دشمنی این دشمنان ملت و نظام را آشکار می‌سازد. اقدامات ننگینی همچون جنگ تحمیلی، شکل‌گیری سازمان منافقین و حمایت از اقدامات تروریستی آنان، طراحی کودتا، تجاوزهای هوایی، دامن‌زدن به اختلاف‌های قومی و قبیله‌ای، تحریم‌ها و فشارها و جنجال‌های رسانه‌ای و مانند این‌ها؛ تنها بخشی از فهرست عریض و طویل خیانت‌ها و دشمنی‌های کسانی است که هرگز نخواستند با انتخاب آزادانه یک ملت کنار آمده و حاکمیت یک نظام دینی و الهی را بربایند. با پایان جنگ تحمیلی و رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، دشمنی‌های استکبار و ایادی داخلی آنان افزایش چشمگیری یافت. در این میان برخی احزاب سیاسی با عملکرد ناشیانه خود، خواسته یا ناخواسته، در نقش ستون پنجم دشمن، به بحران‌ها و مشکلات نظام دامن زدند. در مواردی تراکم بحران‌ها و تنش‌ها به حدی بود که اگر هوشیاری، تدبیر و مصلحت‌اندیشی مقام معظم رهبری نبود، امروز معلوم نبود از نام و نشان انقلاب اسلامی ایران چه باقی می‌ماند و سرنوشت این ملت و نظام چگونه رقم می‌خورد. آیا کسی جز ایشان می‌توانست این‌گونه توانمندانه سکان کشتی انقلاب را در میان امواج توفان‌ها و تندبادهای عظیم به سلامت به ساحل نجات رهنمون سازد؟ در این نوشتار با مروری کوتاه بر شاخص‌ترین بحران‌های دوران رهبری ایشان، تدبیر و هوشمندی مقام معظم رهبری در مدیریت این بحران‌ها را بازبینی می‌کنیم.

نقش رهبری در مدیریت بحران‌ها و جلوگیری از انحراف‌ها



کشتی انقلاب در دریای طوفانی

محمد ملک‌زاده



تاریخی خود مشاهده کردند، در نهایت مجبور شدند با حالتی تحقیرآمیز به ایران بازگردند.

۲. بحران قتل‌های زنجیره‌ای

یک‌سال بعد از بحران میکونوس و مواضع عزت‌مندانه مقام معظم رهبری در آن حادثه، نظام اسلامی با بحران دیگری موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای - در دوره حاکمیت دولت تنش‌آفرین اصلاحات - درگیر حوادثی شد که اگر مدیریت حکیمانه رهبر معظم انقلاب به عرصه نمی‌آمد، معلوم نبود چه هزینه‌های سنگین‌تری بر نظام تحمیل می‌گردید.

در پروژه قتل‌های زنجیره‌ای که «داریوش فروهر» به اتفاق همسرش و چند تن از نویسندگان منتقد و در عین حال بی‌خطر و غیر متنفذ کشته شدند،^۱ وزارت اطلاعات در بیانیه‌ای اعلام کرد چند تن از افراد خودسر این وزارتخانه، مسئول این قتل‌ها بوده‌اند. این پروژه در سه مرحله ارکان نظام را تهدید نمود که هر سه مرحله با مدیریت مدبرانه رهبری ختمی شد:

مرحله اول: وقوع قتل‌ها

در یک تحلیل سطحی، شاید بتوان این قتل‌ها را با هدف خارج کردن جریان روشنفکری مخالف و منتقد از درون نظام ارزیابی کرد؛ اما در تحلیلی کارشناسانه و عمیق، این قتل‌ها دو هدف را به اثبات می‌رساند: نخست آن‌که این رویداد در راستای راهبرد استحاله و فروپاشی نظام جمهوری اسلامی از درون، فضای لازم را برای فعال شدن روشنفکران معاند و خط‌شکنی و سهم‌خواهی آنان از نظام دینی فراهم می‌سازد و دوم آن‌که این ماجرا می‌تواند ناظر به تسویه‌حساب‌های درونی جبهه روشنفکری معاند نیز باشد؛ زیرا همان‌گونه که اشاره شد، برخی از مقتولان (داریوش فروهر) واقعا اعتقادی به راهبرد اصلاح‌طلبان برای تغییر نظام جمهوری اسلامی نداشتند و از این جهت مانعی در مسیر اصلاحات از نظر اصلاح‌طلبان بودند.

در مرحله اول؛ مقام معظم رهبری ضمن تأکید بر ضرورت تلاش مسئولان جهت روشن کردن دست‌های پشت پرده این ماجرا، خواستار رسیدگی جدی به این موضوع شدند.

مرحله دوم؛ متهم کردن نظام و جنگ روانی علیه آن

مرحله دوم پروژه قتل‌های زنجیره‌ای، به راه انداختن جنگ روانی علیه ارکان نظام و نیروهای متعهد و انقلابی بود که به طور گسترده‌ای در عرصه تبلیغات سیاسی و روانی از سوی روزنامه‌های زنجیره‌ای در داخل و معاندان و دشمنان انقلاب در خارج به اجرا درآمد. نوک پیکان حملات متوجه اصل نظام یعنی ولایت فقیه، مسئولان رده بالا و روحانیت و علما بود و چنین القا می‌شد که عاملان ترور با فتوای مراجع و علما دست به این اقدام زده‌اند.

مقام معظم رهبری در این مرحله ضمن آن‌که از بعضی مطبوعات با عنوان پایگاه دشمن یاد کردند و این جوسازی‌ها را یک شارلاتانیزم مطبوعاتی خواندند،^۲ هرگونه اتهام علیه مسئولان و سازمان‌های نظام را بی‌اساس خواندند:

«این قتل‌ها به ضرر ملت ایران بود، به ضرر حکومت بود. یک گروه داخلی که جزو وزارت اطلاعات

۱. بحران میکونوس

در ۲۶ شهریور ۱۳۷۱ شمسی، هم‌زمان با افزایش نفوذ و اقتدار جهانی نظام جمهوری اسلامی ایران، در حادثه‌ای مشکوک در رستوران میکونوس آلمان، تعدادی از مخالفان سرشناس، اما بی‌خطر و نسبتاً معتدل جمهوری اسلامی، هدف حمله چند نفر ناشناس مسلح قرار گرفته و کشته شدند.^۱

پنج سال بعد از این واقعه، در ۲۱ فروردین ۱۳۷۶ دادگاهی در آلمان بر مبنای شهادت تعدادی از منافقین تروریست، در حکمی موهن با متهم شناختن مسئولان بلندپایه جمهوری اسلامی ایران، حکم بازداشت وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی را صادر نمود. به دنبال صدور این حکم سیاسی، رسانه‌های غربی و رژیم صهیونیستی در اقدامی برنامه‌ریزی شده، تبلیغات گسترده‌ای علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به راه انداختند و هم‌زمان سفیر آلمان همراه با سفرای کشورهای اروپایی، در اقدامی هماهنگ ایران را ترک نمودند تا به زعم خود در بحرانی جدید علیه ایران، دولت اسلامی را به شکست و انفعال وادارند.

بدیهی است بحران میکونوس درصدد مزوی ساختن و تحقیر نظام جمهوری اسلامی ایران و مسئولان بلندپایه آن بود، اما با تدبیر مقام معظم رهبری، در نهایت این کشورها را اروپایی بودند که تحقیر گردیده و با سرافکندی به ایران بازگشتند. ایشان در پی این اقدام سیاسی، با قاطعیت فرمودند:

«ما نیازی به ارتباط با آلمان و اتحادیه اروپا نداریم، اما اگر آن‌ها تصمیم گرفتند مجدداً به ایران بازگردند - که البته ما هرگز در این راه پیش قدم و درخواست‌کننده نخواهیم بود - سفیر آلمان باید آخرین آن‌ها باشد.»

اروپایی‌ها که از چنین اقدامی نتیجه‌ای نگرفته بودند و در ضمن، نیازمند برقراری رابطه با ایران بودند، مجبور شدند سفرای خود را به ایران بازگردانند و البته سفیر آلمان همان‌طور که مقام معظم رهبری دستور داده بودند، آخرین سفیری بود که به او اجازه داده شد به ایران بازگردد.^۲

تدبیر و مدیریت مقتدرانه مقام معظم رهبری در این حادثه، باعث شد بار دیگر عزت و اقتدار جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل برای همگان آشکار گردد. این ماجرا یادآور موضع مقتدرانه و مدیریت عزت‌مندانه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی^۳ در ماجرای سلمان رشدی بود که در آن ماجرا نیز دولت‌های اروپایی پس از حکم تاریخی حضرت امام^۴ همین حرکت نمایشی بازگرداندن سفرای خود را به اجرا گذاشتند، اما چون ایستادگی امام را در حکم



بحران میکونوس
درصدد مزوی
ساختن و تحقیر
نظام جمهوری
اسلامی ایران و
مسئولان بلندپایه
آن بود، اما با
تدبیر مقام معظم
رهبری، در نهایت
این کشورهای
اروپایی بودند که
تحقیر گردیده و با
سرافکندی به ایران
بازگشتند.

هم باشند، هرچه هم حالا فرض کنید که متعصب باشند و بنای این کار را داشته باشند، در سطوحی از وزارت اطلاعات که اهل تحلیل اند، امکان ندارد دست به چنین قتل‌هایی بزنند. این افرادی که کشته شدند، بعضی‌ها را ما از نزدیک می‌شناختیم. این‌ها کسانی نبودند که یک نظام، اگر بخواهد اهل این حرف‌ها باشد، سراغ این‌ها برود. اگر نظام جمهوری اسلامی اهل دشمن‌کشی است، دشمنان خودش را می‌کشد؛ چرا سراغ فروهر و عیالش برود؟ ... ایشان معرفتی در میان مردم نداشت، نفوذی نداشت، دشمن بی‌خطری بود، انصافاً آدم نانجیبی هم نبود... کسی که مثل فروهر را می‌کشد، آیا می‌تواند دوست نظام باشد؟! می‌تواند برای نظام کار کند؟! چنین چیزی معقول است؟!

... بعضی از این دو سه نفر نویسنده‌ای هم که متأسفانه در این حادثه کشته شدند، اسم‌شان را بنده هم نشنیده بودم... جزو روشنفکران درجه یک این کشور نبودند. افرادی که مردم این‌ها را نمی‌شناسند، مردم از کتاب

و نوشته‌ها و آثار فکری‌شان هیچ خبری ندارند و کسی از این‌ها حرفی نمی‌شنود، برد تبلیغی ندارند. آن دستی که به فکر می‌افتد

بباید این‌ها را تصفیه کند و به قتل برساند... مگر می‌تواند بیگانه نباشد و تابع یک نماینده از پیش طراحی شده‌ای نباشد؟!^۱

مرحله سوم: ایجاد انحراف در روند رسیدگی به پرونده قتل‌ها
مقام معظم رهبری از ابتدای شروع این پروژه، خواستار رسیدگی صریح و شفاف دولت به این حادثه شدند، ولی از آن‌جا که اصلاح‌طلبان احساس کردند روشن شدن حقایق به نفع آنان نیست، سعی کردند در روند رسیدگی به پرونده قتل‌ها اختلال ایجاد کنند. به همین دلیل بعدها مقام معظم رهبری در حادثه ترور سعید حجاریان، در نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور وقت سیدمحمد خاتمی، از به نتیجه نرسیدن پرونده قتل‌های زنجیره‌ای به شدت گلایه کردند:

«... در موضوع قتل‌ها... تمام نشدن موضوع موجب بروز شایعات و ایجاد فضای تردید و ابهام شد. در این قضیه مشاهده می‌شود که متأسفانه برخی زبان‌ها و قلم‌ها به شدت سرگرم التهاب‌آفرینی و شایعه‌پردازی‌اند. بی‌تهدی را به آن‌جا رسانده‌اند که علاوه بر نام آوردن از افراد و اشخاص، با اتهام‌های بی‌دلیل حتی سازمان‌های مسئول و مورد اعتماد و حتی سپاه و بسیج؛ یعنی مطمئن‌ترین حافظ امنیت ملی را زیر سؤال برده‌اند.»^۲

۳. بحران پروژه کوی دانشگاه

بدین ترتیب در این حادثه توطئه‌آمیز نیز که نظام را با چالش‌های جدی مواجه ساخت، با مدیریت و تدبیر عالمانه مقام معظم رهبری، بحران به وجود آمده فروکش کرد و دشمنان و بدخواهان را از رسیدن به مقاصدشان ناکام گذارد.

یکی دیگر از پروژه‌های التهاب‌آفرین در سطح جامعه اسلامی ایران، پروژه کوی دانشگاه تهران است که با توطئه و صحنه‌گردانی بیگانگان و اپوزیسیون داخلی و همراهی گروهی از ارادل و اوباش انجام گرفت و نظام را در حالی که هنوز التهاب ناشی از قتل‌های زنجیره‌ای فروکش نکرده بود، با چالشی بزرگ‌تر مواجه ساخت.

این داستان از آن‌جا آغاز شد که کمیسیون فرهنگی مجلس پنجم، طرحی را با عنوان «اصلاحیه قانون مطبوعات» مبنی بر ممنوعیت فعالیت مطبوعاتی برای بیگانگان و اعضای گروهک‌های تروریستی و ضد انقلاب، منع دریافت کمک مالی از بیگانگان و التزام عملی مدیران مسئول و صاحبان امتیاز نشریات به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب رساند.^۳ همزمان با تصویب این طرح و ارسال آن به هیئت رئیسه مجلس،



موجی از جنجال‌ها و شانتاژهای تبلیغی از سوی روزنامه‌های زنجیره‌ای در راستای اهداف بیگانگان برای مقابله با این طرح به راه افتاد؛ از جمله روزنامه «سلام» با انتشار سند

محرمانه‌ای منتسب به وزارت اطلاعات با تیتیر درشت، این طرح را منتسب به سعید اسلامی نمود که به دلیل نشر اکاذیب توقیف شد.

با توقیف روزنامه سلام، مطبوعات همسو با آن نشریه در ۱۷ تیر ۷۸ هم‌صدا با محافل بیگانه به جنگ تبلیغی و روانی آشکار و صریح با نظام برخاستند و با تحریک دانشجویان و طرح شعارهای ساختارشکن از سوی آنان، سعی کردند دانشجویان را به مقابله علنی با نظام وادارند. این اتفاقات با درگیری دانشجویان با نیروهای انتظامی و وارد شدن آنان به کوی دانشگاه و اخباری دروغ مبنی بر کشته شدن دانشجویان،^۴ حوادث ناگواری را رقم زد که می‌رفت نظام را با تهدیدی جدی مواجه سازد؛ به ویژه آن که رسانه‌های بیگانه و روزنامه‌های زنجیره‌ای به طور مستقیم و غیرمستقیم چنین القا می‌کردند که حمله به کوی دانشگاه با دستور مستقیم رهبری صورت گرفته است؛ چرا که به استدلال آنان، تعدادی از نیروهای لباس شخصی با سر دادن شعارهای «یا زهر» و حمایت از رهبر به خوابگاه حمله بردند و به ضرب و شتم دانشجویان پرداختند! اما در این حوادث نیز باز این تدبیر و مدیریت حکیمانه رهبر معظم انقلاب بود که این تهدید را به فرصت تبدیل نمود و صحنه‌ای را که دشمنان نسبت به پیامدهای آن بسیار امیدوار شده بودند، به صحنه حضور و حمایت گسترده مردم از نظام مبدل ساخت.

موضع‌گیری مقام معظم رهبری در برابر این حادثه، دارای چند

مرحله دوم پروژه قتل‌های زنجیره‌ای، به راه انداختن جنگ روانی علیه ارکان نظام و نیروهای متعهد و انقلابی بود که به طور گسترده‌ای در عرصه تبلیغات سیاسی و روانی از سوی روزنامه‌های زنجیره‌ای در داخل و معاندان و دشمنان انقلاب در خارج به اجرا درآمد.

دنبال استبداد و قلع و قمع مخالفان نبوده است که در برابر هتاکان مخالف نیز صبور و مقاوم است:

«مگر من بارها نگفته‌ام در اجتماعات کسانی که مخالفانند، هیچ کس نباید رفتار خشونت‌آمیز داشته باشد... حتی اگر یک حرفی که خون شما را به جوش می‌آورد، به زبان می‌آورند - مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند - باز هم باید سکوت کنید. اگر عکس مرا هم آتش زدند و یا پاره کردند، باید سکوت کنید... حالا فرض کنیم یک جوان یا یک دانشجوی فریب‌خورده‌ای هم حرفی زد و کاری کرد، چه اشکالی دارد؟ من از او صرف نظر می‌کنم.»

بُعد پنجم موضع‌گیری رهبری، متوجه ریشه‌یابی اصل حادثه و طراحان واقعی این صحنه‌ها بود:

بُعد مهم و حساس است: بُعد اول مربوط به اصل حادثه بود که ایشان آن را محکوم نموده و بر لزوم برخورد با عاملان آن تأکید کردند:

«این حادثه تلخ، قلب مرا جریحه‌دار کرد. حادثه غیر قابل قبولی در جمهوری اسلامی بود؛ حمله به منزل و ماوا و مسکن جمعی، به هیچ وجه در نظام اسلامی قابل قبول نیست. جوانان این کشور - چه دانشجویان و چه غیر دانشجویان - فرزندان من هستند و هرگونه چیزی که برای این مجموعه‌ها مایه اضطراب و ناراحتی و اشتباه در فهم باشد، برای من بسیار سخت و سنگین است. هر کس بی‌فرقی نمی‌کند، چه در لباس نیروی انتظامی، چه در غیر آن، مسلماً با کسانی که در نظام جمهوری اسلامی تخلف می‌کنند، باید برخورد شود...»



بُعد دوم مربوط به مقابله با این القاعات دشمنان بود که سعی می‌کردند دانشجویان را مخالف نظام قلمداد کنند:

«اگر یک عده نفوذی خواستند از فرصتی استفاده کنند و از آب گل‌آلود ماهی بگیرند، وارد اجتماع دانشجویان شدند و شعارهایی درست کردند و حرف‌هایی زدند؛ خیال نکنند که ما اشتباه

خواهیم کرد، نه ما اشتباه نخواهیم کرد. ما مخاطب و طرف خودمان را می‌شناسیم. دانشجو فرزند ماست، متعلق به ماست، متعلق به این کشور است. دشمن است که می‌خواهد با نام دانشجو یا با نفوذ در میان دانشجویان فساد و تباهی کند. خود دانشجویان بایستی هوشیارانه متوجه باشند.»

در بُعد سوم، ایشان ضمن تأیید اصل حضور جوانان و دانشجویان در جریانات سیاسی، بر لزوم نظم و انضباط در این امر تأکید نمودند:

«من معتقدم که جوان مملکت بایستی در همه میدان‌ها حضور و آمادگی داشته باشد، منتها با انضباط.»

در بُعد چهارم، ایشان با این ذهنیت که این حادثه در دفاع از ولایت و مورد رضایت رهبری ب‌وده، به مقابله برخاستند:

«این گونه حرکتی که ملاحظه شد کسانی به دانشگاه حمله کنند... با هر نامی انجام گیرد، غلط و محکوم است؛ اگر با نام دفاع از دین هم انجام گیرد، غلط است؛ اگر با نام دفاع از ولایت هم انجام گیرد، غلط است...»
ایشان همچنین ثابت کردند که نظام اسلامی نه تنها هرگز به

«... دشمنان اصلی ما در سازمان‌های جاسوسی، طراحان این قضایا هستند. این پولی که مجلس آمریکا تصویب کرد که باید برای مبارزه با نظام اسلامی صرف شود... برای همین طور طراحی‌هایی مصرف می‌شود.»^۱

سخنان روشن‌گرانه و آگاهی‌بخش مقام معظم رهبری، روح حماسی در میان ملت ولایت‌مدار ایران دمید و ملت با راهپیمایی ۲۳ تیر ۱۳۷۸، همچون موجی خروشان به صحنه آمد و با این اقدام، نقشه‌های دشمنان و بدخواهان نظام را نقش بر آب ساخت.

۴. پروژه ترور سعید حجاریان

به دنبال پروژه‌های قتل‌های زنجیره‌ای و حادثه کوی دانشگاه تهران، پرده سوم نمایشنامه به نمایش گذاشته شد^۱ و با انتساب این ترور به نیروهای انقلابی و سپاهی، سعی شد تا مردم از این نیروی انقلابی سلب اعتماد کنند. مقام معظم رهبری بلافاصله بعد از این حادثه، با جنایت‌آمیز خواندن این اقدام، آن را محکوم نموده و ایجاد جو سوء ظن و بدبینی را بزرگ‌ترین خدمت به طراحان و عاملان این توطئه دانستند:

پروژه کوی دانشگاه
تهران با توطئه
و صحنه‌گردانی
بیگانگان و
اپوزیسیون داخلی
و همراهی گروهی
از اراذل و اوباش
انجام گرفت و نظام
را در حالی که هنوز
التهاب ناشی از
قتل‌های زنجیره‌ای
فروکش نکرده بود،
با چالشی بزرگ‌تر
مواجه ساخت.

«ترور ناجوانمردانه نایب رئیس شورای شهر تهران که در چند روز گذشته اتفاق افتاده، اقدام جنایت آمیزی است که می‌تواند بخشی از یک توطئه خطرناک بر ضد مصالح کشور، ملت و نظام اسلامی باشد. ایجاد ناامنی و پدید آوردن جو وحشت و اضطراب برای شهروندان، از هدف‌هایی است که



همیشه توطئه‌گران و دشمنان ایران اسلامی در پی آن بودند و این حادثه... در جهت همان خواسته شیطنی و خیانت‌آمیز است. اینجانب وجود توطئه‌ای سازمان یافته را که آرامش ملی و استحکام نظام اسلامی را آماج ساخته، در این ترور شوم احساس می‌کنم و همه دستگاه‌های مسئول را به پیگیری هوشیارانه آن فرا می‌خوانم...»^{۱۲}

۵. بحران در انتخابات دوره‌های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی

در انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی، بحرانی دربارهٔ تقلب صورت گرفته در بعضی حوزه‌های رأی‌گیری پدید آمد و به همین دلیل شورای نگهبان نیز حاضر به تأیید انتخابات نشد. جناح پیروز انتخابات که مناصب کلیدی در ستاد انتخابات کشور را نیز در دست داشت، حاضر به پذیرش رأی‌نظارتی شورای نگهبان نشد و حملات گسترده‌ای علیه این شورا ترتیب داد. با بالا گرفتن اختلافات، شورای نگهبان در نامه‌ای به رهبر انقلاب از ایشان راهنمایی خواست. رهبر انقلاب در پاسخ به این نامه، فقط صندوق‌هایی که از نظر شورای نگهبان مخدوش بودن آن‌ها محرز گردیده را باطل دانست و در عین حال دستگاه قضایی و بازرسی را موظف دانست که عاملان تخلف در صندوق‌های مخدوش



را شناسایی و تحت تعقیب قانونی قرار دهند.^{۱۳} به این ترتیب غائله انتخابات مجلس ششم با مدیریت مقام معظم رهبری خاتمه پیدا کرد و برخی از مسئولان وزارت کشور دولت

اصلاحات که در این مورد مقصر شناخته شدند، مورد محاکمه قرار گرفتند.^{۱۴}

در انتخابات مجلس هفتم نیز برخی گروه‌های سیاسی، بحرانی جدید آفریدند. در آستانه انتخابات مجلس هفتم، تعدادی از نمایندگان دگراندیش مجلس ششم، به بهانه اعتراض به رد صلاحیت تعدادی از نمایندگان مجلس ششم برای شرکت در انتخابات هفتم، در مجلس به تحصن دست زدند و از این طریق خواستار عدم برگزاری انتخابات و یا تعویق آن از مهلت مقرر (اول اسفند) شدند. در این واقعه نیز ایشان با تأکید بر ملاک دانستن قانون، از شورای نگهبان هم خواستند دایره احراز صلاحیت‌ها را خیلی تنگ بگیرند.^{۱۵}

بعد از این سخنان رهبر انقلاب، شورای نگهبان صلاحیت‌ها را مجدداً مورد بررسی قرار داد و صلاحیت هزار و صد و شصت نفر دیگر را تأیید کرد. با این حال هنوز مدعیان اصلاحات راضی نبودند و دم از تعویق انتخابات می‌زدند، اما قاطعیت رهبری اجازه هرگونه مسامحه و اهمال در برگزاری انتخابات را از همگان سلب نمود:

«انتخابات باید در موعد خود - روز اول اسفند - بدون حتی یک روز تأخیر انجام گیرد.»^{۱۶}

ایشان همچنین به مسئولان هشدار دادند که کناره‌گیری و استعفا به منظور برگزار نکردن انتخابات، خلاف قانون و شرع مقدس اسلام است و کسی حق انجام این کار را نخواهد داشت.

۶. طرح تغییر قانون مطبوعات

پس از آن که مجلس پنجم در آخرین روزهای عمر خود به رغم تمام مخالفت‌ها - که در غائله کوی دانشگاه اشاره شد - قانون جدید مطبوعات را تصویب کرد و راه هرگونه سوء استفاده احتمالی را بر معاندان نظام مسدود ساخت. مجلس ششم که اکثریت آن را مدعیان اصلاحات تشکیل داده بودند، تصمیم گرفت با تغییر مجدد این قانون، حاشیه امنی برای فعالیت‌های خود و براندازان نظام به وجود آورند.^{۱۷} اینان برای اجرای مقاصد خود، همسوس با محافل بیگانه، تبلیغات روانی گسترده‌ای به راه انداختند تا با اصطلاح خود، مقاومت‌ها را در هم شکنند؛ غافل از آن که مدیریت حکیمانه رهبر انقلاب، هرگونه اقدامی علیه مصالح نظام را ناکام خواهد ساخت. ایشان روز یکشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۷۹ در حالی که طرح تغییر قانون مطبوعات در صحن علنی مجلس ششم مطرح می‌شد، با نوشتن نامه‌ای خطاب به ریاست مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مجلس، قاطعانه از ادامه انحراف و فتنه‌ای خطرناک جلوگیری کردند و خواستار خارج شدن این طرح از دستور کار مجلس شدند.^{۱۸}

۷. بحران در جریانات بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸

یکی از بحران‌های گسترده‌ای که هزینه‌های زیادی بر نظام تحمیل کرد، حوادث مربوط به فتنه سال ۸۸ بود. ظاهر این رویداد تاریخی، اعتراض به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری با ادعای واهی تقلب بدون هیچ‌گونه دلیل و مدرک محکمه‌پسند بود که با استفاده از روش‌های غیرقانونی و کشاندن اعتراضات به سطح خیابان‌ها به وقوع پیوست. از

در دوره‌ای که مدعیان اصلاحات فقط شعار «اصلاح» سر می‌دادند مقام معظم رهبری در موضع‌گیری‌های مختلف، بر اصلاحات واقعی همچون مسئله عدالت، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض تأکید کرده و این امور را به مطالبات اصلی مردم در سال ۸۴ تبدیل نمودند.



۲۲

فصلنامه
فرهنگی-پویا

چنانچه با دقت بیشتری بخواهیم نقش مدیریتی رهبر انقلاب در فتنه ۸۸ را مورد بررسی قرار دهیم، باید آن را به دو مقطع قبل و بعد از انتخابات تفکیک نماییم:

الف) مقطع قبل از انتخابات

از ماه‌ها قبل از برگزاری انتخابات تا روز برگزاری آن در ۲۲ خرداد ۸۸ شاخص‌ترین و مهم‌ترین گزینه‌های مدیریتی رهبر معظم انقلاب به شرح ذیل می‌باشد:

۱. تعیین و تبیین خطوط کلی

تا پیش از برگزاری انتخابات در ۲۲ خرداد ۸۸ همچون انتخابات گذشته، مقام معظم رهبری با تعیین خطوط کلی، خواست‌ها و مطالبات اساسی جامعه اسلامی را متذکر شده، شرایط و ویژگی‌های کلی گزینه اصلاح در مسیر انقلاب و اهداف و آرمان‌های آن را بیان فرمودند. شکل‌گیری فضای عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد و تجمل‌گرایی در آستانه انتخابات سال ۸۴ بحق محصول به راه انداختن این گفتمان از سوی مقام معظم رهبری در سال‌های پیش از آن بود. در دوره‌ای که مدعیان اصلاحات فقط شعار «اصلاح» سر می‌دادند و به جای پرداختن به اصلاحات واقعی، با طرح مسایل حاشیه‌ای و انحرافی در مسیر ضد اصلاح گام برمی‌داشتند، ایشان در موضع‌گیری‌های مختلف، بر اصلاحات واقعی همچون مسئله عدالت، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض تأکید کرده و این امور را به مطالبات اصلی مردم در سال ۸۴ تبدیل نمودند.

۲. تأکید بر مشارکت حداکثری

همواره یکی از سیاست‌های کلی نظام و مقام معظم رهبری در انتخابات مختلف، حضور و مشارکت حداکثری بوده است. با تدبیر و تأکید مقام معظم رهبری، ما شاهد رکوردشکنی

ویژگی‌های خاص این پروژه فتنه‌آمیز آن بود که متأسفانه صحنه‌گردانان این حوادث، کسانی بودند که در درون نظام قرار داشتند و سال‌ها در مسئولیت‌های مهم و کلیدی خدمت نموده و قانون‌گرایی و احترام به قانون را سرلوحه شعارهای خود ساخته بودند. این افراد با اصرار بر پیمودن مسیرهای غیرقانونی - با وجود راه‌های قانونی - برای پی‌گیری مطالبات و خواسته‌های واهی و بدون دلیل خویش، نظم و امنیت و آرامش جامعه را به هم ریختند و عملاً در مسیر براندازی نظام و مقابله با جمهوری اسلامی حرکت کردند.

بدیهی است در چنین شرایطی بدخواهان و مخالفان داخلی و خارجی نظام، تمام تلاش خویش را برای سوء استفاده از فضای به دست آمده به کار بستند. در این فضا سیل عظیم تبلیغات منفی و جنگ روانی رسانه‌های غربی از سوی دشمنان قسم‌خورده نظام اسلامی، به نام دفاع از حقوق و آزادی ملت (!) علیه نظام مردمی جمهوری اسلامی به راه افتاد. گرچه دشمنی‌های استکبار علیه ملت مسلمان ایران تازگی نداشته است، اما به دلیل آن‌که این حوادث - با برخورداری از شرایط و ویژگی‌های منحصر به فرد - یکی از پیچیده‌ترین شرایط سه دهه گذشته انقلاب اسلامی را به خود اختصاص داد و به واسطه آن بسیاری از ظرفیت‌ها و واقعیت‌های جمهوری اسلامی محک خورد و به آزمون گذاشته شد، جا دارد با دقت بیشتری آن را بررسی نموده و نقش مدیریتی مدبرانه مقام معظم رهبری در این واقعه را بیش از حوادث دیگر مورد توجه قرار دهیم؛ چرا که این حادثه، ویژگی‌ها و ظرفیت‌های علمی، راهبردی و مدیریتی مقام معظم رهبری را به دلیل بزرگی و عمق فتنه، بیش از سایر حوادث آشکار کرد و از این جهت می‌تواند الگوی مناسبی برای عملکرد مدیران و مسئولان در سطوح مختلف نظام قرار بگیرد.

از ویژگی‌های خاص این پروژه فتنه‌آمیز آن بود که متأسفانه صحنه‌گردانان این حوادث، کسانی بودند که در درون نظام قرار داشتند و سال‌ها در مسئولیت‌های مهم و کلیدی خدمت نموده و قانون‌گرایی و احترام به قانون را سرلوحه شعارهای خود ساخته بودند.



مشارکت ۸۵ درصدی در انتخابات دهم ریاست جمهوری بودیم. بی‌تردید نصاب‌شکنی حضور ۴۰ میلیونی مردم در این انتخابات که مایه اقتدار و تثبیت نظام مردم‌سالاری دینی است، یکی از مؤلفه‌های تدبیر رهبر انقلاب در شکل‌گیری این حماسه تاریخی به شمار می‌آید. ایشان در سخنرانی‌های متفاوت خود، با تأکید بر اهمیت اصل انتخابات، افشای برنامه‌ها و توطئه دشمنان علیه نظام اسلامی، ترسیم چشم‌انداز مثبت و امیدبخش آینده نظام، ابراز اعتماد به انتخاب مردم و تقویت فضای رقابتی و آزاد در انتخابات، بستر این حضور گسترده و میلیونی را فراهم ساختند.

۳. هشدار به خدشه واردکنندگان به انتخابات و تردیدافکنی درباره سلامت آن

در طول تاریخ انقلاب، دشمنان همواره از مدت‌ها قبل از برگزاری انتخابات تا بعد از آن، نسبت به سلامت انتخابات خدشه وارد می‌ساخته‌اند. در این انتخابات نیز همین پروژه تکرار شد. بنابر این، رهبر انقلاب نیز از مدت‌ها قبل از روز ۲۲ خرداد به خصوص در سخنرانی اول فروردین ۸۸ در

مشهد، نسبت به زیر سؤال بردن سلامت انتخابات هشدار دادند.^{۱۹}

۴. مدیریت فضای ملتهب

به دنبال برگزاری مناظره‌های انتخاباتی که برای نخستین بار به این شکل در تاریخ انقلاب روی داد، فضای ملتهبی در جامعه حاکم شد که عملکرد نامزدهای انتخاباتی و طرفداران آن‌ها، این فضا را تشدید کرد. اوج این

فضاسازی، مربوط به نامه آقای هاشمی رفسنجانی خطاب به رهبر انقلاب بود که با رسانه‌ای و علنی شدن آن، فضا ملتهب‌تر گردید. رهبر انقلاب با مدیریت صحیح این فضا، اجازه هرگونه سوء استفاده دشمنان و مخالفان را سلب نمود.

ب) مقطع بعد از انتخابات

بعد از برگزاری انتخابات و آشکار شدن نتایج آراء، به دلایلی که اشاره شد، فتنه بزرگی به راه افتاد که اگر مدیریت و روشننگری‌های مقام معظم رهبری نبود، چه بسا فضا برای دوستداران حق بسیار تیره و تارتر می‌گردید. رهبر انقلاب در راستای مدیریت این فضای فتنه‌آلود، دو خط مشی اساسی به طور همزمان در پیش گرفتند:

خط مشی اول؛ مقاومت در برابر فتنه‌گران و مخالفان و مدیریت صحیح بحران

هدف اساسی حرکت جریان فتنه در انتخابات ۸۸ عقب‌نشینی نظام از مواضع اصولی خود بود و از آن‌جا که رهبر انقلاب

هدف مرکزی این راهبرد به حساب می‌آمد، ایستادگی و قاطعیت ایشان در برابر فشارها، جریان فتنه را در مقاطع گوناگون کاملاً مایوس کرد. بعد از خطبه‌های نماز جمعه روز ۲۹ خرداد، گرچه مخالفان و فتنه‌گران از تسلیم شدن رهبر انقلاب در برابر فشارها مایوس شدند، اما با به راه انداختن حوادث روزهای قدس، ۱۳ آبان، ۱۶ آذر و تاسوعا و عاشورا تا ۲۲ بهمن، مذبوحانه تلاش کردند با تحمیل فشارها از نظام امتیاز بگیرند، ولی با ایستادگی رهبر انقلاب بر مواضع اصولی خود و راهپیمایی سراسری مردم ولایت‌مدار ایران در ۹ دی ۸۸ و سپس ۲۲ بهمن، توطئه فتنه‌گران به کلی نقش بر آب شد. مدیریت بحران از سوی رهبر انقلاب، چند گزینه اساسی داشت:

۱. تأکید بر قانون و عدم پذیرش مطالبات غیرقانونی

ایشان در ابتدا نامزدها و معترضان به نتیجه انتخابات را به تمکین در برابر قانون فراخواندند و خواستار آن شدند که ایشان مطالبات خود را از طریق مجاری قانونی پی‌گیری نمایند. با نمایندگانی نامزدهای معترض دیدار انجام شد، مدت زمان اعتراض به انتخابات با ارائه ادله و شواهد افزایش یافت و در عین حال ایشان با قاطعیت اعلام نمود که نظام زیر بار مطالبات و بدعت‌های غیرقانونی نخواهد رفت و در ضمن هشدار دادند که این جریان تصور نکند با حرکات خیابانی می‌تواند یک اهرم فشاری علیه نظام درست کند و مسئولان



نظام را وادار کنند که به مطالبات غیرقانونی آن‌ها تن بدهند.^{۲۰}

۲. تأکید بر درونی بودن اختلافات

گزینه دوم در مدیریت بحران از سوی رهبری، متوجه دشمنان و مخالفان انقلاب در داخل و خارج بود. ایشان در برابر جنگ روانی دشمن که سعی می‌کرد اختلافات به وجود آمده و رقابت‌های انتخاباتی را در برابر نظام قلمداد کند، شرکت‌کنندگان در انتخابات را در خط انقلاب و از درون نظام معرفی کردند.^{۲۱}

۳. موضع‌گیری مقتدرانه در برابر دخالت‌های بیگانگان

یکی از خطوط اساسی مدیریت رهبری، موضع‌گیری قاطعانه و باصلابت ایشان در برابر توطئه‌ها و دخالت‌های بیگانگان است. استکبار در حوادث بعد از انتخابات ۸۸، به طور صریح و آشکار از اغتشاشگران حمایت کرد؛ از این رو رهبر انقلاب با هشدار به رفتارهای مداخله‌جویانه آنان، اقتدار نظام را در برابر استکبار جهانی به اثبات رساند.^{۲۲}

۴. قاطعیت در برخورد با نیروهای خودی متخلف

بدیهی است تأکید رهبر انقلاب درباره عمل به قانون، شامل

هدف اساسی حرکت جریان فتنه در انتخابات ۸۸ عقب‌نشینی نظام از مواضع اصولی خود بود و از آن‌جا که رهبر انقلاب هدف مرکزی این راهبرد به حساب می‌آمد، ایستادگی و قاطعیت ایشان در برابر فشارها، جریان فتنه را در مقاطع گوناگون کاملاً مایوس کرد.

حساب‌شده رسانه‌ای، دروغ‌پراکنی و تهمت‌زنی آنان، فضا را بیش از پیش غبارآلود می‌ساخت، مزید بر علت گردید. مقام معظم رهبری یک تنه در برابر این جریان ایستاد و با روشنگری‌ها و تنویر افکار عمومی، بسا مظلومیت خاصی به دفاع از نظام برخاست. ایشان در این راه گرچه متحمل فشارها و سختی‌های فراوان شد، اما با مدیریت صحیح توانست ابهامات و غبارهای فتنه را کنار زند و جریان حق را برای دوستداران حقیقت تبیین نماید.

۲. بصیرت‌افزایی و تبیین خطوط حق از باطل

رهبری انقلاب در این جریان، «بصیرت» را به عنوان یک گفتمان راهبردی در مسیر روشنگری و شفاف‌سازی فضای فتنه‌آلود مطرح ساخت. ایشان در بیش از ۳۰ سخنرانی بعد از انتخابات، با صبر و حوصله مثال‌زدنی، به صورت گام به گام و مرحله به مرحله، خطوط فتنه را تبیین و ویژگی‌های حق و باطل را معرفی کرد. ایشان به جای دستگیری و محاکمه سران فتنه - که خواسته اکثریت دوستداران نظام بود، اما

فتنه را پیچیده‌تر می‌ساخت - بر راهبرد روشنگری و بصیرت‌افزایی پافشاری نمود تا به تدریج فضا شفاف و زمینه‌های ظهور و بروز فتنه‌گران کاهش یافت. نتیجه این مدیریت، راهپیمایی سراسری و عظیم ۹ دی و ۲۲ بهمن ۱۳۸۸ بود.

رهبر انقلاب در فاصله بعد از برگزاری انتخابات تا خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ خرداد، تمام تلاش خود را بر حفظ جریان غیر پیروز در چارچوب نظام و جلوگیری از شکسته شدن مرزهای قانونی آنان نمود.^{۲۴} بعد از خطبه‌های ۲۹ خرداد که نقطه عطفی در این وقایع به حساب می‌آمد و ایستادگی قاطعانه رهبری در برابر درخواست‌های غیرقانونی،

یک مرحله مهم از ریزش‌ها در جریان فتنه خصوصاً بدنه مردم آن صورت گرفت. از این مقطع تا حادثه روز عاشورا، نظام بسا در پیش گرفتن صبر و حوصله حداکثری، فرصت زیادی در اختیار فتنه‌گران برای بازگشت از مواضع غیر اصولی خود قرار داد.

در این مدت، رهبر انقلاب با تفکیک خط نفاق و اغتشاش از مردم مسلمان ایران، گفت‌وگو با نخبگان و خواص به منظور اصلاح ذهنیت‌ها، افشاگری و روشنگری در خصوص نقش استکبار و توطئه آنان، محکوم نمودن برخی تندروی‌ها در برخورد با جریان فتنه (همچون حادثه کهریزک و کوی دانشگاه)، تأکید به خواص برای پرهیز از سخنان یا رفتارهای ابهام‌آمیز، تأکید بر جذب حداکثری و دفع حداقلی به عنوان سیاست کلی نظام، بازخوانی حوادث تاریخ انقلاب و اسلام در برابر جریان‌ات فتنه‌گون و ... تلاش نمودند به

همه گروه‌ها و جریان‌ات می‌شود. بعد از وقوع حوادث و اغتشاشات خیابانی، برخی تخلفات در برخورد با عاملان این حوادث به وقوع پیوست که حادثه کوی دانشگاه و قضیه کهریزک از جمله آن‌هاست. این اتفاقات دستاویز مهمی برای دشمنان انقلاب به وجود آورد تا چهره انقلاب و نظام را تخریب نموده و جمهوری اسلامی را به نقض آزادی و حقوق بشر متهم سازند. در برابر این حوادث، رهبر انقلاب با قاطعیت و هوشیاری، دستور پی‌گیری قاطع و جدی این موضوع و برخورد سریع دستگاه قضایی با متخلفان را صادر نمودند.^{۳۳}

خط مشی دوم: روشنگری و تنویر افکار عمومی

ویژگی دوم مدیریت رهبری که هم‌زمان با خط‌مشی نخست انجام گرفت، روشنگری و تنویر افکار عمومی در شرایطی بود که جریان فتنه، فضا را غبارآلود و تیره و تار ساخته بود. در این زمینه چند نکته قابل ذکر می‌باشد:

۱. تحلیل حوادث در قالب فتنه

مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های روشنگرانه خود، بسا فتنه خواندن حوادث بعد از انتخابات، به روشنگری و تنویر افکار عمومی پرداختند. با مروری بر اتفاقات مربوط به این انتخابات، ویژگی‌های فتنه‌آمیز بودن این جریان را حداقل در دو شاخصه اصلی می‌توان ذکر کرد:

۱-۱- عدم تفکیک حقیقت با شخصیت

یکی از دلایل فتنه‌آمیز بودن این جریان، خلط ناخودآگاه حقیقت با شخصیت از سوی گروه‌ها و جریان‌ات مختلف بود. شخصیتی چون «میرحسین موسوی» یا «مهدی کروبی»، از شخصیت‌های سابقه‌دار و انقلابی در نظام جمهوری اسلامی بودند. برای بسیاری باورپذیر نبود که این‌ها در برابر نظام و انقلاب بایستند و منافع

فردی و شخصی را بر مصلحت عمومی ترجیح دهند. در حقیقت جایگاه انقلابی و سابقه این افراد، بطلان مواضع آنان را از صراحت انداخته بود و رد کردن مواضع آنان، به راحتی برای همگان ممکن نبود.

۱-۲- عدم تفکیک حواشی جریان پیروز از اصل انقلاب و نظام

برخی حواشی منفی و نقاط ضعف جریان پیروز انتخابات، فضا را برای بسیاری تیره و تارتر و غیرشفاف ساخت. برخی گفتارها و عملکردهای آقای احمدی‌نژاد، مناظره‌های انتخاباتی، دفاع‌های نابجا از برخی اطرافیان و امثال این‌ها باعث شد حق در سایه این مسایل با ابهام و تردید مواجه گردد. در این میان، ضعف بصیرت برخی خواص بر ابهام‌آمیز و فتنه‌آلودی فضا بیشتر کمک کرد و در این میان جنگ روانی و رسانه‌ای گسترده دشمن که با فضاسازی‌های گسترده و



با روشنگری‌های
مقام معظم رهبری،
مقطع بعد از
حادثه عاشورا تا
راهپیمایی ۹ دی و
بعد از آن، به مقطع
نمایش اقتدار مردمی
نظام و انزوای
جریان فتنه تبدیل
شد و حباب توهم
جریان فتنه فرو
نشست.

صورت تدریجی، فضا را برای همگان روشن سازند. با این روشنگری‌های مقام معظم رهبری، مقطع بعد از حادثه عاشورا تا راهپیمایی ۹ دی و بعد از آن، به مقطع نمایش اقتدار مردمی نظام و انزوای جریان فتنه تبدیل شد و حباب توهم جریان فتنه فرو نشست.

آنچه گذشت، اشاره به بخش اندکی از نقش رهبری در مدیریت بحران‌ها و جلوگیری از انحرافات و نمونه‌ای از هوشمندی و توانمندی ایشان از زمان به دست گرفتن سکان انقلاب بعد از رحلت بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی تاکنون بود. تدابیر حکیمانه و بینش عمیق مقام معظم رهبری در سکان‌داری انقلاب اسلامی ایران در طول این مدت، به افزایش اقتدار نظام مردمی جمهوری اسلامی، انزوای سیاسی مخالفان و دشمنان و بالا رفتن ضریب امنیتی کشور و آستانه تحمل نظام انجامید و نظام اسلامی را در برابر امواج سهمگین توفان‌های شدید به سمت ساحل نجات و سعادت رهنمون ساخت و این‌گونه مردم ولایت‌مدار ایران اسلامی، با پشتیبانی از ولایت فقیه؛ نظام و انقلاب را در برابر هر تهدید داخلی و خارجی بیمه می‌سازند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. میکونوس در اصل نام جزیره‌ای یونانی است که در دریای مدیترانه واقع شده است، اما یکی از رستوران‌های آلمان نیز این نام را برای خود برگزیده است.

۲. در این حادثه تروریستی، با نقش‌آفرینی بنی‌صدر، رژیم صهیونیستی و گروهک منافقین؛ صادق شرفکنندگی دبیر کل حزب دموکرات کردستان و سه تن از همفکران وی کشته شدند.

۳. رک؛ یحیی فوزی، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، ۱۳۸۰ - ۱۳۵۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴؛ ج ۲، صص ۳۵۸ - ۳۵۷.

۴. این پروژه چهار مکتول داشت: داریوش فروهر و همسرش و دو نویسنده به نام‌های مختاری و پوینده. کلیه افراد کشته شده در این قتل‌ها، افرادی غیر متنفذ و بی‌خطر برای نظام بودند. به عنوان مثال آقای داریوش فروهر فقط رهبر یک حزب کوچک پنج نفره به نام «ملت» بود که به دلیل تکروی‌ها و مخالفت‌های آشکارش، از سوی هیچ حزب یا گروه دیگری حمایت نمی‌شد؛ به همین دلیل مخالفت‌های او با نظام نیز خطری جدی به حساب نمی‌آید. بقیه افراد نیز غالباً از اعضای بریده، منفعل یا چاپ‌گرای کانون نویسندگان بودند که به دلیل عدم همراهی با دیدگاه‌های کلی اصلاح‌طلبان، در سرهای زیادی برای آنان به وجود آورده بودند.

۵. رک؛ روزنامه کیهان، ۷۹/۲/۱.

۶. رک؛ روزنامه کیهان، ۷۷/۱۰/۲۰ (خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ ۷۷/۱۰/۱۹)

۷. رک؛ همان، ۷۷/۱۲/۲۸.

۸. در دوره اصلاحات، مطبوعات زنجیره‌ای به مهم‌ترین ابزارهای استحاله و فروپاشی نظام تبدیل شده بودند و مقام معظم رهبری نیز بارها بر این امر هشدار داده بود. بدیهی است تصویب اصلاحیه قانون مطبوعات، ضربه سنگینی بر این گونه مطبوعات وارد می‌ساخت و آنان را از پی‌گیری اهداف براندازانه‌شان ناکام می‌ساخت. به همین دلیل موجهی از مخالفت‌ها از سوی افراطیون اصلاح‌طلب در داخل و دشمنان انقلاب در خارج، علیه این طرح به راه افتاد.

۹. روزنامه خرداد، ۷۸/۴/۱۹ در تیتربزرگ صفحه اول خود نوشت: «کوی

دانشگاه تهران به خاک و خون کشیده شد» و دفتر تحکیم وحدت، یک هفته عزای عمومی برای کشته‌شدگان خیالی اعلام کرد...!

۱۰. بیانات مقام معظم رهبری با جمعی از دانشجویان؛ ۷۷/۴/۲۱.

۱۱. در پرده اول نمایش براندازی؛ یعنی قتل‌های زنجیره‌ای، هدف آن بود تا تمام دگراندیشان و روشنفکران از نظام روی برگردانند. در پرده دوم؛ یعنی حادثه کوی دانشگاه، هدف جداسازی دانشجویان از نظام و

ایجاد حس بدبینی در آنان بود. در پرده سوم؛ هدف سلب اعتماد مردم از نیروهای انقلابی و سپاهی بود. ترور حجازیان به همین منظور انجام شد و برخی همچون اکبر گنجی با صراحت آن را به سپاه نسبت دادند. (روزنامه فتح، ۷۷/۱۲/۲۸)

۱۲. روزنامه صبح امروز؛ ۷۷/۱۲/۲۶.

۱۳. روزنامه کیهان؛ ۷۹/۲/۳۰.

۱۴. آسیب‌شناسی حزب مشارکت، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای نگهبان؛ ۸۲/۱۰/۲۴

۱۶. بیانات مقام معظم رهبری؛ ۸۲/۱۱/۱۵.

۱۷. در این راستا، محمدرضا خاتمی؛ دبیر کل حزب مشارکت، اعلام کرد: اکنون مهم‌ترین مسئله سیاسی ما که می‌تواند خیلی راحت برطرف شود، محدودیت‌های بسیار شدیدی است که برای مطبوعات به وجود آمده است. ما در صدد هستیم در اولین قدم‌هایمان، محدودیت‌های شبه‌قانونی، قانونی و غیرقانونی مطبوعات را برداریم. (روزنامه بهار، ۷۹/۳/۲۳)

۱۸. روزنامه کیهان؛ ۷۹/۵/۱۶.

۱۹. ایشان با شناخت کاملی که از اهداف معاندان نظام برای ضربه زدن به اعتماد مردم نسبت به انقلاب داشتند، نسبت به این موضوع هشدار داده و فرمودند: انتخابات به فضل الهی و به حول و قوه الهی، انتخابات سالمی است. من می‌بینم بعضی‌ها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده‌اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ این همه انتخابات در طول این سی سال انجام گرفته است - در حدود سی انتخابات - مسئولان وقت در هر دوره‌ای رسماً متعهد شده‌اند و صحت انتخابات را تضمین کرده‌اند و انتخابات صحیح بوده است. چرا بی خود خدشه می‌کنند، مردم را متزلزل می‌کنند، تردید ایجاد می‌کنند؟ (سخنرانی در حرم رضوی علیه‌السلام، ۸۷/۱/۱)

۲۰. خطبه‌های نماز جمعه تهران؛ ۸۷/۳/۲۹

۲۱. ایشان در خطبه‌های ۲۹ خرداد ۸۸ فرمودند: مسئله، مسئله درونی نظام است... دعوا بین نظام و بیرون نظام نیست، دعوا بین انقلاب و ضد انقلاب نیست، اختلاف بین عناصری در درون چارچوب نظام است. آن مردمی هم که به این چهار نفر رأی دادند، این‌ها هم با اعتقاد به نظام رأی دادند... مردم هم در چارچوب نظام عمل کردند... همه‌شان درون جبهه انقلاب‌اند، متعلق به نظام‌اند. خط انقلاب چهل میلیون رأی دارد، نه بیست و چهار میلیون که رأی به رئیس‌جمهور منتخب است.

۲۲. ایشان در سالروز ولادت حضرت علیؑ مورخ ۸۷/۴/۱۵ با اخطار به سران قدرت‌های غربی فرمودند: «... ما اخطار می‌کنیم، ملت ایران به سران بعضی از کشورها که سعی می‌کنند از یک مسئله داخلی کشورمان علیه

ملت ایران استفاده کنند، اخطار می‌کنند، حواستان جمع باشد ملت ایران عکس‌العمل نشان می‌دهد. این راه‌ها بداندند، سران کشورهای استکباری

بداندند، مداخله‌گران فضول در مسائل جمهوری اسلامی بدانند، ملت ایران بین خودشان اگر اختلاف هم داشته باشند، وقتی پای شما دشمنان ملت

ایران به میان بیاید، همه با هم متحد می‌شوند، یک دست واحد، یک مشت محکم علیه شما می‌شوند.»

۲۳. بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان و نخبگان علمی؛ ۸۷/۶/۴

۲۴. مقام معظم رهبری در روز ۲۴ خرداد، مهندس میرحسین موسوی را به حضور پذیرفت و این در حالی بود که وی با صدور بیانیه‌ای انتخابات را به شعبده‌بازی تشبیه کرد و اعلام نمود اسیر و تسلیم نتایج آن نخواهد بود. رهبر انقلاب با تأکید بر پی‌گیری مطالبات از طریق مجاری قانونی، وی را از عواقب و پیامدهای چنین مواضعی بر حذر داشت.